

پرسون پرسون روی موج کره‌ای



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

عمده موضوعی که باعث شد، سفیر انگلیس در جامعه ایرانی شناخته شود، جنس روشی بود که او برای برقراری ارتباط با جامعه ایرانی استفاده کرد؛ خود را جذب فرهنگ ایرانی نشان می داد و عموماً هم با زبان فارسی در بستر مجازی تولید محتوا می کرد. نقطه تفاوت ماجرا آنجا مشخص می شود که اگر در میان سفرای کشورهای اروپایی از مردم بیرسید که در حال حاضر چه افرادی در سمت سفیر در ایران حضور دارند، احتمالاً بیشتر افراد پاسخی برای این سؤال ندارند، اما سفیر سابق انگلیس از معدود سفرائی بود که تلاش کرد با ارتباط برقرار کردن با فرهنگ و آداب رسوم ایرانی و تبلیغ آن در بستر مجازی با مردم ایران نیز ارتباط بگیرد و نقش یک سفیر را تنها در قالب روابط دیپلماتیک خلاصه نمی کرد که اولین اثر آن نزدیکی و همگرایی فرهنگی میان دو کشور است. حالا در این میان روز سه شنبه، ویدئویی از اجرای آهنگی با خوانندگی سفیر کره جنوبی در ایران به زبان فارسی آن هم به مناسبت سالگرد تأسیس سفارت کره در ایران منتشر شده که واکنش های زیادی داشته است.

دیپلماسی فرهنگی به روز، اثرگذار است

کار ویژه سفرا در حوزه فرهنگی عموماً تلاش می کنند تا اشتراک های فرهنگی میان خود و آن کشور را برجسته کنند یا حتی اشتراکاتی بسازند. در این مسیر حتی سفرا خود را به فرهنگ و آداب رسوم کشوری که در آن قرار دارند نزدیک می کنند تا از این مسیر نزدیکی روابط و اهداف کشور خود را محقق کنند. اینکه این اقدامات به چه شکل و سبکی انجام شود هم تا حد زیادی بسته به کشوری که در آن حضور دارند، تفاوت می کند. این موضوع که این اقدامات چه میزان اثرگذاری داشته باشد، بسته به برنامه ریزی و در نظر گرفتن علایق مردم آن کشور دارد. در این چهارچوب تصور اینکه سفیر بودن یک مقام دیپلماتیک است و سفیر صرفاً باید در سطح خاصی برقراری روابط داشته باشد، قطعاً نمی تواند هدف یک کشور را در حوزه فرهنگی و نزدیکی فرهنگ محقق کند.

تلاش برای نزدیک شدن به فرهنگ دو کشور با استفاده از ابزار به روز

اگر با همین عینک به فعالیت برخی سفرا در ایران نگاهی بیندازیم، می توان مواردی را ذکر کرد که نشان می دهد برخی از سفرا دیپلماسی فرهنگی خود را با توجه به تغییرات نسلی و تکنولوژی و خواست جامعه، به روز کرده اند و برای نزدیکی فرهنگی میان ایران و کشور خود، اهد مشخصی دارند. شاید مثال روشن این ماجرا اقداماتی بود که سفیر پیشین انگلیس انجام می داد. البته عمده فعالیت های (شرکتی/فردی) در بستر مجازی تولید محتوا در بستر اینستاگرام انجام می شد. ابزاری که او برای تحقق دیپلماسی فرهنگی در ایران انتخاب کرده بود، نزدیکی به فرهنگ و آداب ایرانی بود. اگرچه در میان ویدئوهای شاهنامه خوانی سفیر و پخت کباب با کارکنان سفارت در محوطه بیرون سفارتخانه، ویدئوی تبریک یلدایی او با بازدید زیادی داشت. نگاهی به جنس فعالیت هایی که او در زمان سفارت خود استفاده می کرد، نشان می دهد غرق شدن در فرهنگ کشور مقصد با هدف نزدیکی فرهنگ و البته برقراری ارتباط با مردم جامعه ایرانی، هدف او بود. در میان دیگر سفرا در ایران، شاید بتوان سفیر کره جنوبی را نیز از جمله سفرائی دانست که جنس فعالیت هایی که در حوزه دیپلماسی فرهنگی انجام می دهد، شباهت هایی با اقدامات سفیر انگلیس دارد. با این تفاوت که فرهنگ کره جنوبی در میان بخشی از نوجوانان ایران طرفدارهای زیادی دارد.

دیپلماسی فرهنگی سفیر کره

شاید در نگاهی به فعالیت های فرهنگی سفرای کشورها، بتوان اثرگذاری فرهنگی فعالیت سفیر کره را بعد از سفیر انگلیس در درجه دوم قرار داد. البته اگر نگاهی به صفحه اینستاگرام سفیر کره جنوبی بیندازید، این موضوع روشن است که مبنای اصلی سفیر کره در حوزه دیپلماسی فرهنگی، تلاش برای پیدا کردن اشتراکات فرهنگی برای نزدیکی فرهنگ دو کشور است. برای مثال در یکی از محتواهایی که در صفحه اینستاگرام سفارت کره منتشر شده، به تأسیس اولین زورخانه ایرانی در ستول اشاره شده است. انتشار این محتوا می تواند از چند جنبه حائز اهمیت باشد. علاوه بر اینکه نشان می دهد این اقدامات در راستای افزایش اشتراکات فرهنگی میان دو کشور صورت گرفته است، همچنین با توجه به علاقه ای که میان برخی نوجوانان ایرانی نسبت به فرهنگ کره وجود دارد، این اقدامات می تواند شدت این علاقه و علاوه بر این انگیزه های برای مهاجرت را بیشتر می کند. غذاهای مخصوص هر کشور نیز ابزار خوبی برای افزایش همگرایی فرهنگی کشورهاست. در این راستا هم اگر نگاهی به صفحه اینستاگرامی سفارت کره بیندازیم، تقریباً ردپایی از تعریف و تمجید از غذاهای و خوراکی های ایرانی دیده می شود. علاوه بر این در آستانه اعزام تیم المپیک ایران به پاریس، سفیر کره میزبانی از تیم تکواندو ایران را انجام می دهد. از این جهت که این ورزش اساساً کره ای است، این اقدام را می توان در راستای دیپلماسی ورزشی ارزیابی کرد. در کنار همه این موارد، روز دوشنبه ویدئویی از اجرای آهنگ سفیر کره جنوبی به زبان



موج کره‌ای در سفارتخانه

تقریباً از اوایل دهه ۱۹۹۰ کره جنوبی، برای اشاعه فرهنگ کره ای در جهان گام برداشت. در ابتدای امر انتشار فیلم و سریال های کره ای این اقدام را انجام دادند و پس از آن نیز گروه های موسیقی کره ای با همان کی پاپ را این اقدام را تداوم دادند. جایز کردن سریال ها و موسیقی های کره ای در میان فرهنگ ها و کشورهای مختلف که از آن با عنوان موج کره ای یاد می شد تاثیر قابل توجهی در گسترش فرهنگ کره ای میان مردم جهان گذاشت و علاوه بر این نیز شدت علاقه به فراگیری زبان کره ای و حتی تحصیل و زندگی در کره جنوبی را افزایش داد. اقدامات و فعالیت های سفیر کره جنوبی را می توان در همین چهارچوب دید. تلاش سفیر کره برای برقراری ارتباط با مردم و جامعه و صحبت به زبان فارسی اگرچه تلاشی برای نزدیکی فرهنگ کره و مردم ایران است اما با نگاه به روش هایی که در موج کره ای استفاده شده تلاش هایی در راستای اشاعه فرهنگ کره محسوب می شود که تحقق این موضوع در سطح سفرا در کشورهای دیگر پیگیری می شود لذا از آنجا که در ایران نیز میزان علاقه ایرانیان به فرهنگ کره ای زیاد است نوع کار و اقدام سفیر کره اهمیت پیدا می کند.

جای خالی ایده در دیپلماسی فرهنگی ایران

یک سمت ماجرای نگاه به اقدامات سفرا در ایران همواره این موضوع وجود دارد که اقدامات سفرای ایرانی در کشورهایی که عموماً روابط دوستانه در آن وجود دارد، در چه سطحی قرار دارد. نکته مشخص و واضح این است که اگر اقدامات و فعالیت هایی که در سطوح دیپلماتیک و رسمی انجام می شود را کنار بگذاریم کمتر اقدام جالب توجه و مثبتی در حوزه فرهنگی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای همسایه دیده می شود. امری که نشان می دهد فقدان برنامه ریزی و ایده درست در راستای تحقق دیپلماسی فرهنگی وجود دارد یا در مواردی مورد غفلت قرار می گیرد. در سایه غفلت از این امر نیز شاهد این امریم که کشورهایی که حتی اشتراکات فرهنگی و زبانی با ایران دارند و حتی در حال حاضر محل جولان کشورهای غربی اند برای اشاعه فرهنگ خود در کشورمان برنامه دارند. اگر دیپلماسی فرهنگی به روز کردن روش های جذب و جلب فرهنگی متقابل در این کشورها اصل و قرار می گرفت شکاف و فاصله آن ها در عرصه سیاسی و امنیتی با ایران می توانست تا حد زیادی کم رنگ شود.

بادین فکر:

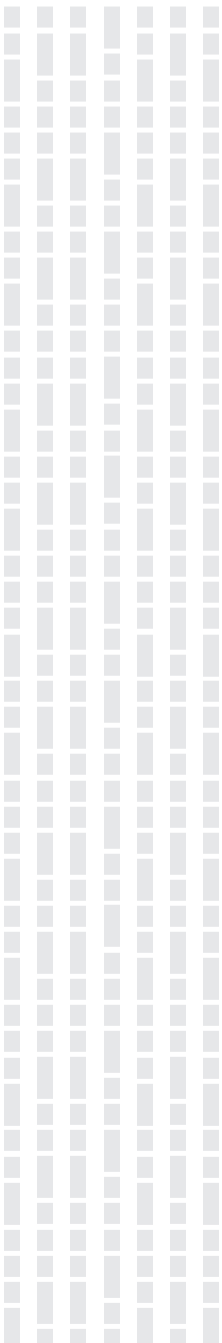
بعد از موج کره ای حالا با فرهنگ کره ای مواجه ایم

برای بررسی بیشتر اینکه اساساً انجام اقداماتی مثل آنچه سفیر کره جنوبی در ایران انجام داد چه تا کز کرد و اهمیتی دارد یا محمد جواد بادین فکر، پژوهشگر مطالعات فرهنگی و افکار عمومی گفت وگو کردیم که در ادامه متن آن را از نظر می گذرانید.

بادین فکر ویدئوی اخیر که از سفیر کره جنوبی منتشر شده را در قالب دیپلماسی فرهنگی تعریف کرد و گفت: «سنسله اینجا دیپلماسی فرهنگی است و ابزارهایی که یک رایزن یا سفیر برای اثرگذاری فرهنگی دارد. یکی از ابزارهای مهمی که رایزن دارد اشاعه فرهنگی خود و ایجاد محملی برای انتقال ارزش ها، رسومات و فرهنگ های کشوری است که از آن آمده است و در طرف مقابل اگر ما بخواهیم در حوزه نشانه شناسی فرهنگی نام گذاری کنیم رایزن به عنوان یک مرز عمل می کند و باید بتواند کارکرد ترجمه پذیری

سفیر کره با کی پاپ های ایرانی در ارتباط است

اقدامات سفیر کره در حوزه فرهنگی تنها به این حوزه محدود نمی شود، مجموعه ای از اقدامات در حوزه فرهنگی از جانب سفیر انجام می شود که البته تاثیرگذاری هم داشته است. بادین فکر اشاره ای به اقدام اخیر سفیر کره کرد و گفت: «این اقدام سفیر کره اقدام جدیدی نبوده است، در یک سالی که از حضور سفیر کره در ایران می گذرد کارهای متنوعی انجام داده است. کارهایی که سفیر به عنوان یک کنشگر انجام می دهد به شبکه اقدامات دیپلماسی فرهنگی وصل می شود. از جمله راه اندازی مدرسه مثل سجونگ که برای آموزش زبان کره ای است و تاجایی که می دانم آموزش به صورت رایگان برگزار می شود. در واقع آموزش زبان کره در کشورهای مختلف را ترویج می کنند. چین هم مدرسه اینچینی دارد و اساساً مدل سنتی دیپلماسی فرهنگی ترویج زبان است. این جذب را می توانیم از آن ها را حوضه تبلیغاتی این یکی از مسیرهاست. مسیر دیگر نمایشگاه غذا یا همان کی فود است که نمایشگاه های مختلفی برگزار می کند و بیشترین رستوران های کره ای آنجاست و به نظر می رسد یک شبکه جغرافیایی هم دارد. نکته دیگر آنکه سفیر به طور مستمر با کی پاپ های ایرانی در ارتباط است و داخل سفارتخانه رفت و آمد دارند و با بدنه اجتماعی و فرهنگی توانسته ارتباط برقرار کند. شاید بگویید نتوانسته توده جمع کند، اساساً هدف در دیپلماسی فرهنگی جمع توده نیست که الزاماً بخواهید توده جمع کنید، بلکه شما در کشورهای مقصد به دنبال سفیرهای فرهنگی ایده که بتوانید آن ها را حوضه تبلیغاتی خودتان کنید. این دومین کار پرمصرفی سفیر جدید است. کار قبلی که کمی بیشتر دیده شد قبل از سفر تیم ما به المپیک، تیم تکواندو ایران را به سفارت کره دعوت کردند و پروتئالی از این دعوت رفتند و از آن جهت دیپلماسی ورزشی را ذیل دیپلماسی فرهنگی تعریف کردند و در این حوزه تنوع را تعریف کردند لذا به نظر می رسد برای دیپلماسی فرهنگی یک پکیج طراحی شده است. «بادین فکر در خصوص اینکه آیا اقدامات در قالب موج کره ای تعریف می شود یا خیر نیز گفت: «الان دیگر نام آن موج کره ای نیست، فرهنگ کره ای است. در واقع دوره «هالیو» تمام شد و الان با فرهنگ کره ای، مواجه ایم و این اقدامات در راستای این امر تعریف می شوند.»



یک قدم به پیش؛ بازگشت حوزه به میدان

ادامه از صفحه ۱

علاقتمندان مباحث علمی، گفت وگوهای مکتوب میان آیت الله جعفر سبحانی، فقیه، متاکلم و استاد حوزه علمیه قم را به خاطر دارند؛ آنجا که سبحانی در اواخر ۱۳۸۶، درباره «حقیقت وحی» و مدعی «ناسازگاری طاهر قرآن با علم بشری» که در گفت وگویی مطبوعاتی از زبان سروش بیان شده بود، با زبانی دلسوخته و البته متحکمانه به بیان انتقادات خود پرداخته بود. ۱۳ سال بعد که عبدالکریم سروش در نظریه تازه اش، «دین و قدرت»، شوری دیگر در صحنه الهیات و دین شناسی انداخت و چندی از اهالی حوزه های علمیه را به واکنش واداشت، ابوالقاسم علی دوست که در ابتدای سال ۱۳۹۹ با ادبیاتی تند به سروش تاخته بود و راه او را «یک صفر بزرگ، یک ردع و برقی بی باران، یک نه بزرگ به تراش، و به مثابه کشاندن مباحث به فضاهای غیرعلمی و غیر آکادمیک» خوانده بود، این بار و در اواخر بهمن ۱۳۹۹، با ادبیاتی آرام، «سیاست یک پام و دو خراف» سروش در آستانه روایات را به نقد گرفت و بر آن بود که او بر خلاف ادعای خود عمل کرده است که گفته بود: «من مطلقاً به روایات مجعول، مجهول، موضوع، متروک و مدسوس تکیه نمی کنم.»

عبدالکریم سروش، در پاسخ، ابوالقاسم علی دوست را «فقیه محترم» خواند؛ اما با این حال او را گرچه از گروهی دانست که «اندیشه دگراندیشان را جدی می گیرند و عالمانه و صادقانه به عنز کشف حقیقت، و پا از سر احساس تکلیف برای پیراستن رخساره دین از زنگار شبهات با به میدان می گذارند؛ اما اضافه کرد که علی دوست از آن دسته است که «نه اندیشه مخالف را جدی می گیرد و نه برای نقد و جرح آن کسب آمادگی می کند، با این حال پاسخ مفصل سروش به علی دوست، نشانگر آن بود که او همچون رقیب خود، در پی تداوم گفت وگوست؛ گرچه با زبان تند و گزنده. با همه آنچه گفته شد؛ اما آنچه در اولین مناظره پخش شده از رسانه آزاد دیده شد، تفاوتی تام تمام با گفت وگوها و جدال های پیشین میان علی دوست و سروش دارد؛ تا پیش از آن، هیچ راه روبروی هم نشسته بودند؛ حتی بدین صورت که یکی در شرق عالم و دیگری در غرب عالم و از طریق ابزارهای آنلاین گفت وگویی هم زمان کنند. چنین گفت وگویی برابری، علاوه بر آنکه فرصتی برای عالمان و متفکران است تا زبانی مشترک بچوبند و سخن یکدیگر را با لحنی واقعی و ادبیاتی همدلانه بشنوند و ببینند، مخاطبانشان را نیز وادار می کند تا به هر دو سوی مناظره، و به مرز تعقل و تفکر در باب موضوع

نزدیک شوند و فارغ از هواداری و طرفداری، حقیقت جویی پیشه کنند. چنانکه روشن است، نشستن در برابر کسی چون عبدالکریم سروش، به دلیل سوابق و حواشی سیاسی و حتی معرفی اش، چندان خوشایند اهل حوزه های علمیه نیست و بسیاری حتی اگر خود را در برابر او از حیث علمی و معرفی توانمند ببینند، تن به چنین مناظره ای نمی دهند و در این میان آمادگی قیبهی چون ابوالقاسم علی دوست که از چهره های پیشرو و مؤلف در حوزه های علمیه شناخته می شود، بیش از هر چیز نشانگر اراده و انگیزه او برای گفت وگو با «دیگری های» علمی و معرفی و حتی هویتی است و شیوه بحث و مباحثه او در برنامه «آزاد» نیز نشانگر کشودگی او در برابر دیدن و شنیدن گفتار «دیگران» است. در همین راستا، آیت الله حسین نور محمدانی، از مراجع تقلید شیعه، در نامه ای علی دوست را دارای «فکر بلند و فقاقت» خواند و ورود او به عرصه مناظرات را ستود. اولین برنامه مناظره ۱۴۰۳، گرچه به مثابه مقدمه ای برای مناظره و برده آغازین بود؛ اما به خوبی به مباحثی چون گستره شیعه رسید که در این میان، ابوالقاسم علی دوست بر آن بود که تعیین گستره شریعت بر عهده متون دینی است و عبدالکریم سروش معتقد بود امری پیشامتنی و فارغ از متون دینی

است. در قدم بعد و در تداوم بحث هایی که در سال ۱۳۹۹ در میان آنان در گرفته بود، رابطه فقه و اخلاق مورد بحث قرار گرفت؛ سروش فقه را بریده از اخلاق و بلکه ضد اخلاق خواند و تصریح کرد که تلاش برای سازگار کردن اخلاق با فقه آن را از بین می برد؛ و علی دوست که نویسنده آثاری چون «فقه و عقل» و «فقه و عرف» است، بار دیگر اخلاقی بودن فقه، وظیفه و کارویژه فقه را تمرکز بر ظواهر افعال دانست و چنین تمرکز ترانه نقص فقه، بلکه لازمه آن معرفی کرد؛ چراکه در تقسیم کار میان علوم اسلامی، هر دانشی را باید در جایگاه خود دید. مناظره و مباحثه الهیاتی میان ابوالقاسم علی دوست و عبدالکریم سروش، بیش از هر چیز نوید روزگاری را می دهد که بحث ها و نزاع های علمی در جامعه با بگیرد و علاقمندان به گفتارهای الهیاتی و دینی، پا به میدان بگذارند. با این حال چه بسا در برپایی چنین مناظراتی باید به مسائل و خواست های جامعه نیز توجه کرد و به جای اردانداختن موضعاتی که بارها بحث و پیگیری شده، رویکردهایی نزدیک تر به معضلات و مسائل امروز جامعه دینی و گروه های علاقمند به مباحث الهیاتی پی گرفته شود تا گفت وگو میان عالمان به گفت وگو در صحن جامعه دامن زند.